

قدرتهای جهانی، پایه گذار اصلی پیمان سعدآباد

۱۶ تیر ۱۴۰۲ ساعت ۲۲:۴۱

انگلیسی‌ها پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه تزاری و سقوط رومانوف‌ها و ایجاد حکومت جدید سوسیالیستی شوروی فوق‌العاده وحشت‌زده و نگران شدند. در سال‌های بین دو جنگ جهانی، انگلستان سراسر خاورمیانه را تحت نفوذ و سلطه خود داشت....

در عصر رضاخان پهلوی میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان پیمان عدم تجاوزی در کاخ سعدآباد تهران امضا شد که به پیمان سعدآباد معروف شد. وزیران امور خارجه افغانستان، ترکیه و عراق برای این منظور به تهران آمده بودند (در آن زمان هنوز پاکستان تاسیس نشده بود که وارد این پیمان شود). رسانه‌های آلمان پس از آغاز جنگ جهانی دوم مدعی شدند که این پیمان طبق نقشه انگلیسی‌ها منعقد شده تا رضاشاه در اجرای اندیشه «احیای ایران‌زمین»، با کمک گرفتن از آلمان و سازش با مسکو و آنکارا، درصدد ضمیمه کردن افغانستان و شرق رود دجله به ایران برنماید.

گفته می‌شود این پیمان با نقشه لندن و در پی نخستین جرعه‌های زنده‌شدن ناسیونالیسم ایرانی و با هدف کمرنگ کردن حقوق ایران در قراردادهایی بود که دولت تهران در جریان کوچک شدن قلمرو خود و از دست دادن اراضی و شهرهایش با همسایگان امضا کرده بود.

قرارداد سعدآباد نوعی پیمان عدم تعرض میان ایران، افغانستان و ترکیه بود. با این توافق، خیال انگلستان از تلاش احتمالی ایران برای برگرداندن مناطق تاجیک‌نشین افغانستان به قلمرو وطن آسوده شد. دولت لندن از آغاز سال ۱۹۲۱ و پس از روی کار آمدن دولت بلشویکی روسیه درصدد برآمد که در کشورهای جنوب روسیه، ناسیونالیست‌ها بر سرکار آیند تا از پیشروی کمونیسم به سوی خاورمیانه و هندوستان جلوگیری شود و کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به همین منظور بود ولی انتظار نداشت که این حرکت به خیزش ناسیونالیسم ایرانی و زمزمه بازگرداندن هرات و... منجر شود.

مورخان معاصر در تالیفات خود، نزدیک شدن بعدی افغانستان به روسیه را نقشه‌ای انگلیسی به منظور رهنمیدن خود از کابوس وحدت ایران و افغانستان ذکر کرده‌اند. سیاست‌های انگلستان در آسیای جنوبی عامل اصلی تجزیه ایران‌زمین و جدا شدن تدریجی افغانستان بود.

موفقیت دولت انگلستان در انعقاد این پیمان

انگلیسی‌ها پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه تزاری و سقوط رومانوف‌ها و ایجاد حکومت جدید سوسیالیستی شوروی فوق‌العاده وحشت‌زده و نگران شدند. در سال‌های بین دو جنگ جهانی، انگلستان سراسر خاورمیانه را تحت نفوذ و سلطه خود داشت. تعدادی از کشورهای این منطقه مانند عراق و فلسطین و ماورای اردن از طرف جامعه ملل تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفته بودند و تعدادی دیگر مانند مصر و عربستان سعودی در نتیجه قراردادهایی، حقوق و امتیازات خاصی برای انگلیسی‌ها قائل شده بودند.

گروه سوم از کشورهای خاورمیانه نیز به طور غیرمستقیم زیر نفوذ انگلیسی‌ها قرار داشتند؛ مانند ترکیه و افغانستان. انگلیسی‌ها پس از جنگ جهانی اول کوشیدند تا با ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده و قوی، یک پیمان دفاعی بین کشورهای خاورمیانه به وجود آورند و از آن به عنوان سدی برای جلوگیری از توسعه‌طلبی و نفوذ شوروی به سوی هندوستان و خلیج فارس و چاه‌های نفت جنوب ایران استفاده کنند، بنابراین در عرض چند سال کوشیدند اختلافات میان دولت‌های این منطقه را بتدریج برطرف و زمینه را برای انعقاد پیمان همکاری و عدم تعرض منطقه‌ای آماده کنند.

با انقراض سلسله قاجار، حکومت پهلوی در ایران روی کار آمد. در ترکیه امپراتوری عثمانی از هم پاشید و آتاتورک قدرت را در دست گرفت. در عراق هم حکومت دست‌نشانده ملک‌فیصل را بر سر کار آوردند. در افغانستان هم حکومت امان‌الله را که تصور می‌کردند تحت نفوذ آنها نخواهد رفت، برداشتند تا بعد حکومتی به میل خود روی کار آورند. پس از این که این قبیل حکومت‌ها را به وجود آوردند، دولت انگلستان به این فکر افتاد که از این کشورها حلقه‌ای آهنین در جنوب روسیه به وجود آورد. لذا ضروری بود بین ایران و ترکیه و عراق و افغانستان موجبات حسن تفاهم و دوستی فراهم شود و اختلافات بین آنان را برطرف سازند.

ترکیه از جمله کشورهایی بود که ایران به روابط دوستانه با او روی آورد. برقراری روابط دوستانه با ترکیه برای ایران دستاورد بزرگی محسوب می‌شد، چرا که بر اثر همین روابط بود که آزادی مناطق شمالی ایران از سیطره کامل شوروی میسر می‌شد. ایران از طریق ترکیه دسترسی بیشتری به غرب پیدا کرد. از دیگر عوامل نزدیکی ایران به ترکیه، مساله مشترک آنان در باب ناآرامی عشایر کرد در مرزهایشان بود. پس از برقراری این روابط دوستانه بود که رضاخان بنا به دعوت رئیس‌جمهور ترکیه (مصطفی آتاتورک) در خرداد ۱۳۱۳ به این کشور سفر کرد.

افغانستان کشور دیگری بود که میانجیگری ترکیه بر سر رفع اختلافات مرزی، روابطش با ایران در سال ۱۳۱۳ به نحو چشمگیری بهبود یافت. تلاش‌هایی نیز برای برقراری روابط با کشور عراق به رغم این که مشکلات و مسائل میان این دو کشور بیش از بقیه کشورها بود، صورت گرفت. بر اثر کوشش انگلیسی‌ها اختلافات مرزی ایران و ترکیه به موجب قرارداد مرزی دیماه ۱۳۱۰ حل و فصل شد و دولت ایران قسمتی از اراضی مجاور آرات را به ترکیه واگذار کرد و در عوض قطعه زمین بزرگی را در کردستان گرفت. اختلافات مرزی با افغانستان نیز در نواحی خراسان و سیستان به موجب حکمیت دولت ترکیه در ۲۷ اسفند ۱۳۱۲ حل شد و روابط بین دو کشور بهبود یافت.

مساله مهم مورد اختلاف بین ایران و عراق، موضوع کشتیرانی اروندرود بود که در هیچ‌یک از عهدنامه‌های مرزی بین ایران و عثمانی، موضوع حاکمیت و تعیین خط مرزی بین دو کشور در این رود تصریح نشده بود. در این هنگام انگلیسی‌ها که برای تقویت موضع دولت‌های وابسته به خود در قبال خطر کمونیسم عجله داشتند و می‌خواستند پیمان منطقه‌ای هر چه زودتر امضا شود بسرعت زمینه‌های سازش ایران و عراق را با توجه به منافع خود فراهم کردند. اکنون دیگر زمینه انعقاد پیمان منطقه‌ای تحت سلطه انگلیس بخوبی فراهم و اختلافات میان ۴ کشوری که قرار بود در پیمان مزبور شرکت کنند، برطرف شده بود و در ۱۷ تیر ۱۳۱۶ وزرای خارجه ایران، افغانستان، ترکیه و عراق در کاخ سعدآباد پیمانی را امضا کردند که به پیمان سعدآباد مشهور شد. فرجام پیمان

این پیمان راه به جایی نبرد، چرا که ایران در عمل تمایل به آلمان داشت که شریک شوروی بود. کارشناسان آلمانی در بسیاری از موسسات ایران از جمله راه‌آهن، مخابرات، حمل و نقل و اسلحه‌سازی خدمت می‌کردند. از همین رو ناکارآمدی پیمان مزبور در

شهریور ۱۳۲۰ ظاهر شد، چرا که ایران از سمت شمال و جنوب مورد تجاوز قدرت‌های خارجی قرار گرفت و کشورهای هم‌پیمان نه تنها کمکی به ایران نکردند بلکه از اظهار تاسف هم خودداری کردند.

بالاخره پیمان سعدآباد که با هدف حفظ کشورهای عضو در قبال خطر کمونیسم و خطرات مشابه ایجاد شده بود، با آغاز جنگ جهانی دوم و تغییر بلوک‌بندی‌ها و اتحاد انگلیس و شوروی عملاً از حیز انتفاع خارج شد و نتوانست رسالت اولیه خود را به انجام رساند و در جریان حوادث شهریور ۱۳۲۰ هیچ‌یک از هم‌پیمانان ایران به یاری کشور ما نشتافتند و پیمان سعدآباد بیهودگی خود را به اثبات رساند. حتی دولت عراق خاک خود را پایگاه حمله انگلستان به ایران قرار داد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۹۷۹/سعدآباد-پیمان-اصلی-گذار-پایه-جهانی-قدرت‌ها/>